

لئون تروتسکی

چرا مارکسیستها با ترور فردی مخالف هستند

نوامبر ۱۹۱۱

مترجم بهمن فیروز

دشمنان طبقاتی ما عادت دارند از تروریزم ما شکایت کنند. [[اما]] منظورشان از این [[گفته]] نا روشن است. آنها مایلند همه فعالیت های پرولتاریا بر ضد منافع دشمن طبقاتی را تروریزم بنامند. اعتصاب، از دید آنها، روش اصلی تروریزم است. تهدید یک اعتصاب، سازمان دهی پیکت های اعتصاب، تحریم اقتصادی یک کله گنده برده دار (۱)، تحریم اخلاقی خائنی از میان صفوف خودمان - آنها همه اینها و کلی چیز های دیگر را تروریزم مینامند. اگر تروریزم به این روش به معنی هر اقدامی که برای دشمن ایجاد ترس کرده، یا باعث زیان (۲) [[دشمن]] شود باشد، آنوقت البته تمام مبارزه طبقاتی چیزی جز تروریزم نیست. و تنها این سوال میماند که وقتی تمام دستگاه دولتی شان با قوانین، پلیس و ارتش چیزی جز دستگاهی برای ترور سرمایه داری نیست، آیا سیاستمداران بورژوا حق اینکه سیل خشم اخلاقی شان را درباره تروریزم پرولتاریایی سرازیر کنند دارند!

بایست گفت که وقتی آنها ما را با تروریزم سرزنش میکنند، - هرچند همیشه آگاهانه نه- ولی در تلاشند که به این کلمه معنای محدودتر و کمتر غیر مستقیمی بدهند. مثلا، ضربه زدن به ماشین آلات، در این معنای محدود کلمه تروریزم هست. کشتن یک کارفرما، تهدید آتش زدن یک کارخانه یا تهدید به قتل صاحب ان، اقدام سو قصد به [[جان]] یک وزیر دولت، با سلاح کمربندی (۳) همه اینها به مفهوم کامل و اصلی ان اقداماتی تروریستی هستند. ولی، هر کس اطلاعاتی از ماهیت حقیقی سوسیال دموکراسی داشته باشد بایست بداند که [[سوسیال دموکراسی]] همیشه با این نوع تروریزم مخالفت کرده، و [[این مخالفت را]] به آشتی ناپذیر ترین طریق ابراز کرده.

چرا؟

ایجاد ترور [[=وحشت]] کردن با تهدید یک اعتصاب، یا اعتصابی را پیش بردن چیزی است که تنها کارگران صنعتی قادر به ان هستند. اهمیت اجتماعی یک اعتصاب مستقیما بسته به [[این دو عامل دارد]] اولاً، بزرگی شرکت یا شاخه ای از صنعت است که از ان متأثر میشود، و ثانیاً، به درجه سازمان یافتگی، انضباط، و حاضر به عمل بودن کارگران شرکت کننده در اعتصاب. این [[حکم]] به همان اندازه که برای یک اعتصاب اقتصادی درست است، برای یک اعتصاب سیاسی نیز درست است. [[اعتصاب]] همچنان به [[عنوان]] روشی از مبارزه است که مستقیما از نقش تولیدی پرولتاریا در جامعه مدرن ناشی میشود (۴)

نقش توده ها را تحقیر میکند

سرمایه داری برای رشد (۵) احتیاج به روبنای (۶) پارلمانی دارد. ولی چون نمیتواند پرولتاریای مدرن را به یک گتوی (۷) سیاسی محدود کند، بایستی دیر یا زود اجازه شرکت کارگران را در پارلمان بدهد. در انتخابات، خصلت توده ای (۸) پرولتاریا و سطح توسعه سیاسی ان - کمیت هایی (۹) که، دوباره [[=همانطور که در بالا آمد]]، ناشی از نقش اجتماعی ان، یعنی مهمتر از هر چیزی نقش تولیدی [[پرولتاریا]] میشوند - بیان خود را مییابند.

همانند یک اعتصاب، در انتخابات نیز، روش، هدف، و نتیجه مبارزه همیشه بستگی به نقش اجتماعی و قدرت پرولتاریا به عنوان یک طبقه دارد. تنها کارگران قادر به عملی کردن (۱۰) یک اعتصاب دارند. صنعتگرانی که توسط کارخانه از میان برداشته شده اند، دهقانی که کارخانه [[منبع]] آبشان را آلوده میکند، یا لمپن پرولتاریای [[به]] دنبال غارت میتوانند ماشین ها را خرد کرده، کارخانه را آتش زده، یا صاحب ان را به قتل برسانند.

تنها پرولتاریای آگاه و سازمان یافته میتواند نمایندگانی پر قدرتی را به درون سرسراهای پارلمان بفرستد تا مواظب منافع پرولتاریا باشند. ولی برای قتل یک مقام مهم شما احتیاج به اینکه توده های سازمان یافته را پشت سر خود داشته باشید ندارید. دستور تهیه مواد منفجره در دسترس همه هست، و یک [[تفنگ]] براونینگ را همه جا میتوان تهیه کرد. در مورد اول [[با]] مبارزه اجتماعی

ای [[سر و کار داریم]] که روش ها و شیوه هایش لزوماً از ماهیت نظم اجتماعی حاکم منشا میگیرد؛ و در مورد دوم، با عکس العملی صرفاً مکانیکی [[که]] همه جا در چین همانند فرانسه- یکسان است، در شکل خارجی اش خیلی چشمگیر (قتل، انفجار، و غیره) [[بوده]] ولی تا آنجا که به نظم اجتماعی برمیگردد مطلقاً بی ضرر [[است]].

یک اعتصاب، حتی [[اعصابی]] متوسط، دارای نتایجی اجتماعی است: تقویت اعتماد به نفس کارگران، رشد اتحادیه صنفی، و غالباً حتا بهبودی در تکنولوژی تولیدی. قتل یک صاحب کارخانه تنها مایه تأثیری از نوع پلیسی، یا [[از نوع]] تغییر مالک بدون هیچ اهمیت اجتماعی میشود. اینکه یک اقدام تروریستی، حتا یک اقدام "موفق" باعث گنجی طبقه حاکم بشود بسته به شرایط سیاسی مشخص (۱۱) دارد. در هر صورت گنجی فقط میتواند کوتاه مدت باشد؛ دولت سرمایه داری خود را بر مبنای وزرای دولتی بنا نکرده و نمیتواند با آنها از میان برداشته شود. طبقاتی که [[این دولت]] بدیشان خدمت میکند همیشه افراد جدیدی پیدا خواهند کرد؛ [[و]] مکانیزم دست نخورده باقی خواهد ماند و به کار ادامه میدهد.

ولی هرج و مرجی که در صفوف خود طبقه کارگر بوسیله یک اقدام تروریستی وارد میشود بسیار عمیق تر است. اگر برای رسیدن به هدف، [[برای]] شخص تنها مسلح شدن به یک تپانچه کافی باشد، چرا [[کسی]] برای مبارزه طبقاتی کوشش کند؟ اگر انگشتانه ای باروت و تکه ای سرب برای شلیک به گردن دشمن کافی است چه نیازی به تشکیلات طبقاتی است؟ اگر ترساندن افرادی دارای مقامات بالا با غرش انفجارات معقول به نظر میرسد، نیاز به حزب [[دیگر]] کجاست؟ چرا [[وقت را به]] گرد هم آبی ها، تهییجات توده ای و انتخابات [[بگذرانیم]] وقتی که فرد میتواند به آسانی نیمکت وزارتی را از سرسرای (۱۲) پارلمان نشانه بگیرد؟

از منظر ما، ترور فردی غیر قابل قبول است دقیقاً بخاطر اینکه نقش توده ها را در ذهن آنها تحقیر میکند، آنها را با بی قدرتی شان آشتی میدهد، و امیدها و چشمان آنان را به طرف منجی و کین خواه بزرگی میدوزد که روزی خواهد آمد و مأموریتش را به پایان خواهد. پیامبران آنارشیزم "تبلیغات عمل" (۱۳) تا جایی که بخواهند میتوانند در باره تأثیر ترفیع دهنده و تحریک کننده اعمال تروریستی بر توده ها بحث کنند. ملاحظات تئوریک و تجربه سیاسی خلاف آنرا ثابت میکنند. هرچه اعمال تروریستی "موثرتر"، هرچه تأثیر آنها بیشتر، [[به همان نسبت این اعمال]] از علاقه توده ها به خود-سازمان یابی و خود-آگاهی بیشتر میکاهند. ولی دود اغتشاش فرو مینشیند، اضطراب از بین میرود، جانشین وزیر مقتول خودی نشان میدهد، زندگی دوباره بر مسیر گذشته می افتد، [[و]] چرخ استثمار سرمایه داری مثل سابق خواهد گشت؛ فقط سرکوب پلیسی وحشیانه تر و بیشرمانه تر میشود. و در نتیجه، بجای امید و شور مصنوعاً برافروخته [[احساس]] رفع اغفال (۱۴) و بی علاقه جاییگزین میشود.

تلاشهای ارتجاع برای ختم اعتصابات و جنبش کارگری توده ای در کل همیشه، در همه جا، با شکست مواجه شده. جامعه سرمایه داری نیاز به پرولتاریای فعال، متحرک، و باهوش دارد؛ بنابراین این نمیتواند دست و پای پرولتاریا را برای مدتی طولانی ببندد. از جانب دیگر "تبلیغات عمل" آنارشیزمی هر بار نشان داده که دولت در [[زمینه های]] ابزار انهدام فیزیکی و سرکوب مکانیکی (۱۵) بسیار غنی تر از گروه های تروریستی است.

اگر چنین است، چه [[بر سر]] انقلاب میاید؟ آیا [[انقلاب]] با این [[تفصیل]] اوضاع غیر ممکن میشود؟ به هیچ وجه. چرا که انقلاب جمع ساده ای از روشهای مکانیکی (۱۶) نیست. انقلاب تنها از حدت مبارزه طبقاتی میتواند سر بلند کند، و تنها در نقش اجتماعی پرولتاریا میتواند تضمینی برای پیروزی پیدا کند. اعتصاب سیاسی توده ای، قیام مسلحانه، غلبه بر قدرت دولتی - همه اینها به واسطه درجه توسعه تولید (۱۷)، صف بندی نیروهای طبقاتی، وزن اجتماعی پرولتاریا، و بالاخره ترکیب اجتماعی ارتش تعیین میشوند، [[این آخری بخاطر آنکه]] نیروهای مسلح عاملی هستند که به هنگام انقلاب سرنوشت قدرت دولتی را تعیین میکنند.

سوسیال دمکراسی به اندازه کافی واقع بین هست که نخواهد از انقلابی که از شرایط تاریخی بر میخیزد حذر کند؛ بر عکس، [[سوسیال دمکراسی]] می رود که انقلاب را با چشمان باز رو در رو شود. ولی بر خلاف آنارشیزم ها و در مبارزه مستقیم با آنان- سوسیال دمکراسی تمام طرق و وسایلی که هدفشان اجبار مصنوعی توسعه جامعه و جایگزینی ترکیبات شیمیایی به جای قدرت انقلابی ناکافی پرولتاریا میباشد را طرد میکند (۱۸).

تروریسم پیش از ترفیعش به سطح روشی از مبارزه سیاسی، در هیات اقدامات انفرادی انتقام جویانه ظاهر میشود. در روسیه، این سرزمین کلاسیک تروریسم [[هم]] چنین بود. شلاق زدن زندانیان سیاسی ورا زاسولچ (۱۹) را بر ان داشت که احساس خشم عمومی را به شکل سوء قصد به جان ژنرال تریوف (۲۰) بروز دهد. مثال او در حلقه های روشنفکران انقلابی، که فاقد هر گونه پشتیبانی توده ای بودند، تکرار شد. آنچه که به عنوان یک انتقام بی فکرانه شروع شد در سالهای ۱۸۷۹-۸۱ به صورت یک سیستم در آمده بود. شیوع سوء قصد های آنارشیزمی در اروپای غربی و امریکای شمالی همیشه بعد از ارتکاب قساوتی توسط دولت -شلیک به اعتصاب گران یا اعدام مخالفین سیاسی- صورت میگردد. مهمترین منبع روانی تروریسم همیشه احساس انتقامی

در جستجوی مفر است.

احتیاج به توضیح [[واضحات]] این نکته نیست که سوسیال دمکراسی وجه مشترکی با ان معلمان اخلاق خود فروخته (۲۱) ندارد، که در جواب به هر اقدام تروریستی، اعلامیه های رسمی درباره "ارزش مطلق" زندگی انسان میدهند. اینها همان کسانی هستند که، در شرایط دیگری، بنام ارزش های مطلق دیگری -مثل ناموس وطن یا حیثیت پادشاه- حاضرند میلونها نفر را به جهنم جنگ سرازیر کنند. امروز قهرمان ملی وزیری است که حق مقدس مالکیت خصوصی را میدهد؛ و فردا، وقتی دستان مستاصل کارگران بیکار به مشت تبدیل میشوند یا [[بطرف]] اسلحه میرود، آنها شروع میکنند به [[هزار جور]] مزخرفات درباره غیر قابل قبول بودن خشونت در هر شکلش.

هر آنچه که خواجه ها و ریاکاران اخلاقیات بگویند، حس انتقام حق [[و جای]] خودش را دارد. این بزرگترین اعتبار اخلاقی برای طبقه کارگر است که با خلاء بیتفاوتی به آنچه در این بهترین دنیای موجود میگذرد نگاه نمیکند (۲۲). وظیفه سوسیال دمکراسی این نیست که حس متحقق نشده پرولتاریا [[برای]] انتقام را خاموش کند، بلکه بر عکس [[وظیفه اش]] این است که آن [[حس انتقام]] را دوباره بر انگیزد، تعمیق کرده، و بر علیه دلایل واقعی بی حقوقی و پستی انسانها جهت دهد.

اگر ما با اعمال تروریستی مخالفیم، تنها به این خاطر است که انتقام های فردی ما را راضی نمیکند. حساسی را که میبایست با نظام سرمایه داری صاف کنیم بزرگتر از آن است که به گماشته ای به اسم وزیر تحویل بدهیم. یادگیری دیدن همه جنایات علیه بشریت، و [[یادگیری دیدن]] همه هتاک های که جسم و جان انسانها در معرضشان قرار میگیرند به عنوان محصولات پیچیده و تجلیات نظام اجتماعی موجود، به منظور سمت دادن تمام انرژی مان در جهت یک مبارزه جمعی علیه این نظام - این ان جهتی است که تمایل سوزان ما به انتقام میتواند در آن بالاترین رضایت اخلاقی را حاصل کند.

لئون تروتسکی

ابتدائاً به زبان آلمانی در "در کامپف" (*) به تاریخ نوامبر ۱۹۱۱ منتشر شد

مترجم: بهمن فیروز

بیست و دو مرداد ۱۳۹۰، ۱۳ اوت ۲۰۱۱

http://www.facebook.com/note.php?created&¬e_id=10150335097945479

متن استفاده شده برای ترجمه: ترجمه انگلیسی مقاله منتشر در تارنمای:

<http://www.marxists.org/archive/trotsky/1911/11/tia09.htm>

تکثیر و پخش این ترجمه به همین شکل و بدون جرح و تعدیل در آن با ذکر منبع آزاد و بلا مانع است

مطالب میان دو قلاب [[]] و توضیحات زیر از مترجم فارسی است

Der Kampf (*)

slave-driving boss (۱)

harm (۲)

revolver (۳)

flows (۴)

develop (۵)

superstructure (۶)

ghetto (۷)

mass character (۸)

quantities (۹) این کلمه به نظر مترجم در نشر اینترنتی (و یا ترجمه انگلیسی) به غلط به صورت "کمیت" آمده، ولی یحتمل اصل کلمه مورد نظر نویسنده "کیفیت" بوده و نه "کمیت"

conduct (۱۰)

concrete (۱۱)

gallery (۱۲)

(۱۳) 'propaganda of the deed' تبلیغات عمل، عملی که بعنوان تبلیغات نقش بازی میکند

(۱۴) disillusionment بیداری از خواب و خیال و اوهام

mechanical repression (15)

mechanical means (16)

degree to which production has been developed (17)

Social Democracy rejects all methods and means that have as their goal to artificially force the (18)
development of society and to substitute chemical preparations for the insufficient revolutionary strength of the
.proletariat

Vera Zasulich (19)

Trepov (20)

bought-and-paid-for (21)

it does not look with vacant indifference upon what is going on in this best of all possible worlds (22)